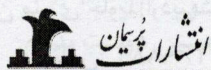


نیروی معجزه گر عشق

ریحانه معتمدی نژاد



Porseman Publication

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

از این غم به کجا پناه برم؟

یه بیابان رَوم که چه!!؟ که باد و آفتاب سوزانش تنم را برنجاندا!
یا به کوه رَوم که هر لحظه ممکن است مرا از قلّه‌ی احساس به درّه‌ی مرگ
کشاندا!

یه سراغ رود رَوم که جز آهنگ جاری بودن هیچ صدایی را میهمان نیست؟! رَوم
که در زلال جریانش رکودِ دلم بینم و اندوهم دو چندان شود!!؟
ترسم به درختان پناه برم که این آه جان سوز مانند بادی سوزان
تمامی برگ‌های سبز را نشانِ زردی زند!!؟
یه دریا نیز نمی‌توانم پناه بُرد، چرا که من غرق در عشق و دلم طوفانی از
احساس است، پس مرا نیاز به دریا نیست.

تنها به تو پناه می‌برم...

یه تو که در هر کجا باشم صدایم را شنوی.

یه تو که نیازی نیست منتت کشم تا لحظاتی را با من دم زنی.

یه تو که هرچه بگویم خم به ابرو نخواهی آورد.

یه تو که هر خطایی کنم باز هم مرا بخشی. گرچه این گناهان به بزرگی کوه
باشند، ولی بخشش تو به وسعت دریاهاست.

یه تو که بسیار بیش‌تر از آن‌چه که هستم دوست می‌داریم، هرچند گمان
تعی برم من تو را به اندازه‌ای که هستی دوست بدارم.